

مادلونگ معتقد است که فان اس با این کتاب که همتای کتاب دیگر او، یعنی کلام و جامعه در سده‌های دوم و سوم هجری است جاودانه خواهد شد



▲ مایکل کوک | Michael Cook



▲ جوزف فان اس | Josef van Ess



▲ پاتریشیا کرون | Patricia Crone



▲ ایگناس گولدزیهر | Ignác Goldziher

شرق‌شناسی
کلاسیک -
مادلونگ، فان
اس و ایگناس
گولدزیهر - در
اصول پذیرفته شده
اسلام مانند قرآن
کریم و احادیث
نبوی تردیدی روا
نمی‌داشت و
نهایتاً دایره نقدی
را که در میان خود
مسلمانان شایع بود
گسترش می‌داد.

بزرگان متصوفه رویکرد گسترده‌تر و متنوع‌تری را در این رابطه در پیش گرفت.^{۲۸}

همچنین مادلونگ به نقش ابن ابی جمهور احسایی به انتقال میراث شیعی-صوفی به نسل‌های بعد پی برد، مسئله‌ای که سبب شد تا مکتب فلسفی اصفهان تأثیر چشم‌گیری از ابن ابی جمهور بپذیرد و او را در قامت چهره شاخصی در عصر و جامعه خود معرفی کند. بر این پایه، تلاش‌های جدی احسایی برای درآمیختن اندیشه‌های این مکاتب و ایجاد پیوستگی میان نتایج تحقیقاتشان در جهت رسیدن به حقیقت از طریق تلفیق میان تشیع و تصوف اقدام فراگیر و استواری است که در عصر او سابقه نداشته است. از این منظر، کتاب او بر آثار فیلسوفان عصر صفوی که به دنبال ایجاد ترکیبی یکپارچه از آموزه‌های مکتب امامیه بودند مقدم

اندیشه و نوشته‌های محمد بن علی بن ابی جمهور احسایی (م ۹۰۱ ق/ ۱۴۹۵ م) بازمی‌گردد. احسایی به نوبه خود کتابی پیرامون ارتباط میان تصوف و تشیع با عنوان *مُجلی: مرآة المُنْجی، فی الکلام والحکمتین والتصوّف* تألیف کرد. او از پیروان سید حیدر آملی (۷۸۹ ق/ ۱۳۸۷ م) بوده و او را قطب الاقطاب نامیده است. وی مانند مرشد معنوی خود به آمیختگی تصوف و تشیع پرداخت و بالاتر از آن به راه‌اندازی یک مذهب با یک باور یگانه فراخواند. درحالی که اندیشه آملی بر شباهت میان تصوف و تشیع تأکید داشت، ابن ابی جمهور با دست بردن به منابع و شخصیت‌های صوفیه مانند بایزید بسطامی (م ۲۶۱ ق/ ۸۷۴ م)، حلاج (که در سال ۳۰۹ ق/ ۹۲۲ م به دار آویخته شد)، خواجه عبدالله انصاری (م ۴۸۱ ق/ ۱۰۸۸ م)، محی الدین عربی (م ۶۳۸ ق/ ۱۲۴۰ م) و دیگر